



Scientific– Research Article

Genealogy, History, and Decorations of the Rahl

Alireza Sheikhi ¹ (Corresponding Author) , Azar Farahbod ²

¹ Associate Professor, Department of Handicrafts, Faculty of Applied Arts, Iran University of Art, Tehran, Iran.

² Master's Degree Graduate, Department of Handicrafts, Faculty of Applied Arts, Iran University of Art, Tehran, Iran.

(Received: 09.08.2024, Revised: 27.04.2025, Accepted: 03.05.2025)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2025.34972.1284>

Abstract

Rahl is a wooden object that has been used to keep the Quran and respect the word of God since the past until now. This object has been decorated by artists to make it valuable and proud, due to the sanctity of the Qur'an book in historical periods, with various arts that are a subset of wood arts, such as engraving, embossing, sealing, and painting. And various forms, especially in the foundations, have added to the beauty of the Rahls. In the decorations of Rahl, all kinds of plant, animal, and geometric motifs are also decorated with inscriptions in some of them. All the motifs used in the decorations of Rahl by the artists were taken from Iranian beliefs, beliefs and culture. The genealogy of Rahl and its evolution is the goal of this article and It seeks to answer the question, what is the background of Rahl and what is its name? The research method is fundamental and descriptive-analytical, and information collection is by library method. The findings show that due to Quran recitation and its teaching in schools and libraries, the need for a light and portable object was felt. Muslim Iranians solved this need by building Rahl, which due to the change in the way of sitting for taking and reciting the Qur'an, the fatigue of the neck and back was reduced to a certain extent. With the passage of time, Rahls found various forms and motifs. The shape of Rahl is X-shaped from the front and square or rectangular from the sides. The base of Rahl comes in shapes such as toranji, mihrabi, crescent, semi-circle and according to the taste of the manufacturer or the customer, it has come to the desired shape. In this article, the raised issue will be discussed and in the future, more aspects of Rahl can be examined. No significant changes can be seen in Rahl's general form from the past until now. Decorations used in Rahl according to the period in which it was made, the decoration of the same period is used in Rahl.

Keywords: Rehal, Evolutionary Development, The Genealogy of the Rehal, Qur'an.

1- Email: a.sheikhi@art.ac.ir

2- Email: azarfarahbod@gmail.com

How to cite: Sheikhi, A. and Farahbod, A. (2026). Genealogy, History, and Decorations of the Rahl, *Journal of Applied Arts*, 6 (1), 43-56. Doi: 10.22075/aaj.2025.34972.1284

تبارشناسی، پیشینه و تزینات رحل

علیرضا شیخی (نویسنده مسئول)^۱

آذر فرحبود^۲

^۱ دانشیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.
^۲ دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2025.34972.1284>

چکیده

رحل، یک شیء چوبی است که برای نگهداری قرآن و احترام به کلام خدا از گذشته تا کنون مورد استفاده بوده است. برای تفاخر بخشیدن به آن، به دلیل تقدس کتاب قرآن در ادوار تاریخی با هنرهای مختلفی مزین شده است این هنرها که زیرمجموعه هنرهای چوب هستند شامل معرق، منبت، خاتم و نقاشی است و فرم‌های متنوع به‌خصوص در پایه‌ها، بر زیبایی رحل‌ها افزوده. در تزینات رحل، انواع نقوش گیاهی، حیوانی و هندسی استفاده شده و برخی نیز به کتیبه آراسته شده‌اند. تمامی نقوش مورد استفاده در تزینات رحل توسط هنرمندان برگرفته از باورها، اعتقادات و فرهنگ ایرانی بوده است. تبارشناسی رحل و سیر تحول آن هدف نوشتار حاضر است و در پی پاسخ بدین سؤال است که پیشینه رحل چیست و وجه تسمیه آن کدام است؟ روش تحقیق از نوع کیفی و به‌صورت توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد با توجه به تلاوت قرآن و آموزش آن در مکتب‌خانه‌ها و کتابخانه‌ها نیاز به شیء سبک و قابل حمل احساس شد. ایرانیان مسلمان این نیاز را با ساخت رحل برطرف کردند که با توجه به تغییر در طرز نشستن برای گرفتن و قرائت قرآن، تا حدی از خستگی گردن و کمر کاسته می‌شد. با گذشت زمان رحل‌ها فرم و نقوش متنوعی پیدا کردند. فرم رحل از روبه‌رو به شکل X و از طرفین به‌صورت مربع یا مستطیل است. پایه رحل با فرم‌هایی همچون ترنجی، محرابی، هلال و نیم‌دایره، با توجه به سلیقه سازنده یا سفارش‌دهنده به فرم دلخواه درآمده است. در فرم کلی رحل از گذشته تا کنون تغییرات قابل توجهی دیده نمی‌شود. تزینات مورد استفاده در رحل با توجه به این که در چه دوره‌ای ساخته شده است، تزین شاخص همان دوره در رحل به‌کار رفته است.

واژه‌های کلیدی: رحل، سیر تطور، تبارشناسی رحل، قرآن.

1- Email: a.sheikhi@art.ac.ir

2- Email: azarfarahbod@gmail.com

شیوه ارجاع به این مقاله: شیخی، علیرضا و فرحبود، آذر. (۱۴۰۵). تبارشناسی، پیشینه و تزینات رحل، نشریه

رحل شیء کاربردی است که با توجه به مواد اولیه آن (که عمدتاً چوب است) بستر مناسبی برای اجرای هنرهای چوبی است. ساخت رحل به دست ایرانیان مسلمان صورت گرفته و دلیل طراحی و ساخت آن به طور کلی چنین بیان می‌شود که رحل در حقیقت یک میز مطالعه است که به تدریج با تغییر فرم یک میز معمولی به فرمی قابل حمل درآمده است. این تغییر فرم که نتیجه خلاقیت ایرانیان بوده آن را تبدیل به یک میز سبک، قابل حمل با کمترین حجم کرده است. ساخت رحل سبب شده که قاری و قرآن‌آموزان نیاز به گرفتن کتاب در دست نباشند در نتیجه در اثر مدت‌زمان زیادی که شخص در حال قرائت و آموزش قرآن است گردن و کمر، کمتر خسته می‌شود. علاوه بر این رحل برای احترام به کتاب مقدس قرآن استفاده می‌شود؛ اگر نگاهی به دیگر ادیان داشته باشیم و وسیع‌تر به محترم شمردن کتب دینی بنگریم، علاوه بر دین مبین اسلام در دیگر ادیان نیز، رحل یا میزی که مختص کتب مقدس باشد ساخته شده است. تبارشناسی رحل و سیر تحول آن هدف نوشتار حاضر است و در پی پاسخ بدین سؤال است که پیشینه رحل چیست و وجه تسمیه آن کدام است؟ از آنجایی که تحقیق مدون و جامعی در مورد چگونگی سیر پیدایش رحل تاکنون انجام نشده است علاوه بر آن دین رسمی ما ایرانیان اسلام و کتاب مقدس ما قرآن است همچنین ایرانیان مسلمان طراح و سازنده رحل بوده‌اند انجام چنین پژوهشی توسط محقق ضروری نمود.

پیشینه پژوهش

علیرضا خواجه‌احمد عطاری و همکاران در مقاله «بررسی نقوش و تزیینات رحل قرآن (قرن هشتم هجری) در موزه متروپولیتن» (۱۳۹۶)، در نشریه نگارینه هنر اسلامی به نقوش و کتیبه‌های رحل و پیروی هنرمندان مسلمانان از اصول و قوانین زیبایی‌شناسانه پرداخته‌اند. حشمت کفیلی در مقاله «رحل‌های موزه آستان قدس رضوی نشانه‌هایی از برگزاری مراسم آیینی قرائت قرآن کریم در حرم مطهر امام رضا (ع)» (۱۳۹۴)، در نشریه آستان هنر به

ویژگی‌های ظاهری و هنری رحل‌های موجود در موزه و مطالعه کتیبه‌های آن‌ها پرداخته‌است. زهرا جعفری‌فرد در مقاله «معرفی چند اثر چوبی وقفی متعلق به قرن هشتم هجری قمری» (۱۳۹۴)، در نشریه وقف میراث جاویدان به معرفی آثار چوبی وقفی قرن هشتم هجری قمری پرداخته و شرح کوتاهی در مورد ویژگی‌های فنی داده‌است. فضل‌الله فاضل‌نیشابوری در مقاله «مشخصات رحل‌های قرآنی موجود در موزه و کتابخانه آستان قدس رضوی» (۱۳۹۲)، در نشریه اوراق عتیق به بررسی مشخصات رحل‌ها پرداخته‌است. حشمت کفیلی در مقاله «آستان قدس رضوی امانتدار نشانه‌های فرهنگ و تمدن هندوستان» (۱۳۹۲)، در نشریه پاژ به معرفی رحل‌های چوبی در موزه آستان قدس رضوی پرداخته و تکنیک و هنرهای رحل‌ها را بررسی کرده‌است. عیسی بهنام در مقاله «رحل چوبی» در نشریه هنر و مردم با امضای حسن‌بن‌سلمان اصفهانی (تاریخ ذی الحجه ۷۶۱ هـ) موزه متروپولیتن نیویورک اشاره کرده‌است. آنچه مقاله حاضر را از دیگر مقالات و پژوهش‌های انجام شده متمایز می‌کند پرداختن به سیر پیدایش رحل، علت طراحی و ساخت و بهره‌گیری از نقوش گیاهی و حیوانی در تزیینات روی رحل است.

روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی است. رحل از نظر لغوی و وجه تسمیه آن در مرحله اول مد نظر قرار گرفته، سپس پیشینه آن و نوع نگهداری کتب مقدس مورد اهتمام بوده‌است. علل نهادن کلام‌الله بر رحل و در نمونه‌هایی که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شوند فرم، نقش، مواد، مصالح و هنرهای استفاده شده در آن‌ها به صورت کلی بیان شده‌است، در نهایت تکنیک و نقوش تزیینی با تأکید بر نقوش گیاهی (که بیشترین فراوانی را دارد) مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌است.

مبانی نظری

وجه تسمیه رحل

رحل واژه‌ای عربی است: «ما يجعل علی ظهر البعیر کالسرچ؛ آنچه را که بر پشت شتر بسان زین قرار

دهند جهاز شتر». در لغت‌نامه‌های فارسی نیز به معانی مذکور اشاره شده و مجازاً این‌گونه بیان گردیده: «دو تخته چوبین که قرآن را هنگام تلاوت بر آن نهند» (رامپوری، ۱۳۳۷: ۴۰۳). «چیزی باشد از چوب که در وقت تلاوت، قرآن مجید بر آن گذارند و شعرا خط و ابروی خوبان را بدان تشبیه سازند» (پادشاه، ۱۳۳۵: ۲۰۱۶). «به صفا حسن رخت تا به قیامت باشد مصحف روی تو در رحل اقامت باشد» (محسن تأثیر به نقل آندراج). «دو تخته صلیبی شکل و متقاطع که کتاب و یا قرآن مجید را هنگام قرائت بر روی آن نهند که گیرخ نیز گویند» (نفیسی، ۱۳۴۳: ۱۶۳۹). «گیرخ: به کسر اول و فتح رای بی نقطه و سکون ثانی و خای نقطه‌دار به معنی رحل باشد و آن چیزی است که از چوب سازند و مصحف و کتاب بر بالای آن گذارند و خوانند» (خلف‌تبریزی، ۱۳۴۱: ۱۰۳۶). «رحل وسیله‌ای که کتاب را بر روی آن می‌گشوده‌اند. مرکب است از دو پاره چوب که با لولایی به یکدیگر مرتبطند» (دهخدا، ۱۳۲۵: ۳۰۸). از این رو کلمه رحل در زبان فارسی مجازاً به‌عنوان ابزار قرائت کاربرد داشته‌است. در زبان عربی هم رحل همان تعاریفی که در بالا آمده معنی می‌دهد و در عربی به کلمه رحل اَمْرًا می‌گویند و آن را این‌چنین توصیف می‌کنند: ما یَجْعَلُ عَلِیَةَ الْكِتَابِ عِنْدَ الْقِرَاءَةِ؛ آن‌چه که کتاب را هنگام قرائت بر آن نهند (معلوف، ۱۳۶۵: ۷۷۰). در قرآن آمده فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْهَا الْعَيْرُ أَنْكُمُ لَسَارِقُونَ (قرآن کریم، سوره یوسف: آیه ۷۰) و هنگامی که بارهای آن‌ها را بست، ظرف آب‌خوری پادشاه را در بار برادرش گذاشت سپس صدا زد: ای اهل قافله! شما دزد هستید. نیز در روایت آمده: اندازه طول رحل پیامبر (ص) یک ذراع بود که هنگام برپایی نماز آن‌را پیش روی خود قرار می‌دادند تا بدان وسیله فاصله‌ای میان خویشتن و افرادی که از جلوی ایشان در حال عبور بودند ایجاد نمایند (مجلسی‌قمی، ۱۳۸۲: ۲۶۳). رحل پیامبر چه بوده، آیا می‌تواند ابزار مورد بحث باشد. با بیان سه دلیل پاسخ این سؤال منفی است.

۱- در زبان عربی نه تنها کلمه رحل بلکه اسم آلت آن

نیز مطلبی که تأیید کند وسیله‌ای جهت قرائت کتاب باشد بیان نمی‌کند. المِرْحَلُ: مِنَ الْجَمَالِ (معلوف، ۱۳۶۵: ۲۵۳). ۲- پیامبر (ص) هیچگاه به خواندن و نوشتن مشغول نمی‌شد که بخواند چنین وسیله‌ای را با خود حمل کند بلکه آیات قرآن از طریق وحی بر قلب ایشان نازل می‌شد. ۳- در عصر پیامبر قرآن مدون نبود و برای تلاوت آن نیاز به ابزاری نبود که بخواهند کتابی بر آن بگذارند. تدوین کلام‌الله نیز مسیری را پیموده که به‌صورت مکتوب درآمده، چون با گذشت زمان سخن پروردگار دچار تغییر و تحریف نشود لازم بود که آیات مکتوب شوند به این جهت با کمک کسانی همچون علی‌بن‌ابی‌طالب (ع)، عبدالله بن مسعود، ابی‌ابن‌کعب و زیدبن ثابت قرآن به تدریج و ترتیب نزول بر صفحاتی از چوب و پوست آماده شده، سنگ، پارچه و مانند این‌ها می‌نوشتند. برای جلوگیری از خطر تحریف عثمان دستور داد یک قرآن که مورد تأیید نخستین کاتبان وحی بود تهیه شود و مرجع همگان شود (رکنی، ۱۳۶۶: ۱۰۰). همان‌طور که بیان شد عرب عموماً ااث و بار را رحل می‌گویند و این لزوماً وزن و ابعاد ندارد. بنابراین می‌توان رحل یک ذراعی پیامبر را چوب‌دستی ایشان در نظر گرفت که وقت نماز آن‌را جلوی خود قرار می‌داد همان‌طور که امروزه برخی با عصا و تسبیح چنین می‌کنند. شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع چنین آورده: سجده بر مأكولات و ملبوسات چون مورد دلبستگی و توجه دنیاپرستان است حرام می‌باشد. بنابراین به منظور تعظیم و اظهار بندگی باید پیشانی بر خاک سایید. لذا بخش‌هایی که در مساجد و خانه‌ها مفروش به فرش نبود برای نمازگزاری استفاده می‌شد تا در برابر عظمت پروردگار سر بر خاک گذارند. در چنین شرایطی و با توجه به این‌که پیامبر مهر استفاده نمی‌کرد در نتیجه لازم بود برای مطلع ساختن مردم و جلوگیری از قدم گذاشتن آنان در حریم سجده‌گاه پیامبر با استفاده از چوب‌دستی خود مرزی را مشخص کرد که از آن قسمت کسی عبور نکند (ابن‌بابویه، ۱۳۸۳: ۱۱۶). کلمه رحل به‌صورت مجاز در زبان فارسی به ابزار قرائت اطلاق می‌شود. دلیل دیگر این‌که اگر به سیر تحول

پیغام‌رسانی و همچنین مرقومه‌نگاری در جنگ‌ها و میان راه سفرها نظری شود می‌توان دریافت که در شرایط جنگ و از این قبیل لوازم کامل تحریر وجود نداشت و باید کاغذ را روی یک سطح سفت و محکم قرار دهند بنابراین در این شرایط مناسب‌ترین وسیله زین یا پالان حیواناتی بود که بر آن سوار می‌شدند و دارای سطحی صاف و محکم بود و نام رحل را برای آن انتخاب کردند ناخودآگاه یا خودآگاه معنی هم پیدا کرد زیرا عرب گاهی ظرف را رحل می‌گوید و این وسیله در حکم ظرف یا جایگاهی برای کتاب است.

پیدایش رحل

تغییر ابزار نگارش (مانند پاپیروس یا کاغذ) که موادی سبک‌تر، نرم‌تر و قابل‌حمل‌تر بودند. هنگام نوشتن می‌بایست قطعه‌ای محکم و سفت زیر آن تعبیه می‌شد تا نگارنده بتواند بر سطح مورد نظر مسلط باشد. نمونه‌ای از این شیوه نگارش را می‌توان در (تصویر ۱) مجسمه کاتب نشسته متعلق به سلسله پنجم مصر مشاهده کرد. با انجام عمل کتابت، حجم قطعات افزایش یافت و برای نگهداری نوشته‌ها ناگزیر آن‌ها را بسته‌بندی می‌کردند و با توجه به موضوعات مختلف تفکیک می‌کردند؛ مثلاً صورت مالیات‌ها، حقوق عمال، وضع قوانین و ... هر کدام یک پرونده مجزا داشتند. هنگامی که می‌خواستند یکی از این موضوعات را بررسی کنند چون ماده‌ای که بر آن نوشته بودند سنگین بود و همچنین تعداد ضمیمه‌های آن‌ها باعث بیشتر شدن وزن می‌شد در نتیجه لازم بود سطحی باشد که اوراق را بر روی آن قرار دهند تا سنگینی بار را از روی دست خود بردارند.

حال وسیله‌ای که آن را رحل نامند از چه دوره‌ای رواج یافت؟ قدیمی‌ترین سند و مدرکی که تاکنون یافت شده نوشته‌ای از ابوالفضل بیهقی (قرن ۴ و ۵ هـ) می‌باشد: «قلم برداشت و با ما معمایی نهاد غریب و کتابی از رحل برگرفت و آن شب را بر پشت آن نشست به خط خود به من داد» (بیهقی، ۱۳۲۶: ۷۹۶). نگارگران نیز در به تصویر کشیدن مکتب درس

یا محضر عالمی، رحلی روبروی عالم مد نظر داشته‌اند. از آثار نگارگری‌های متعدد می‌توان به وجود رحل پی برد. این سابقه در نقاشی‌ها می‌تواند به قبل اسلام از برسد که در تصویری از نقاشی مانوی قابل ملاحظه است (تصویر ۲).



تصویر ۱- کاتب نشسته. منبع: (گری، ۱۳۵۴) ارتنگ. منبع: (URL: 1) تصویر ۲- نقاشی مانی، از کتاب

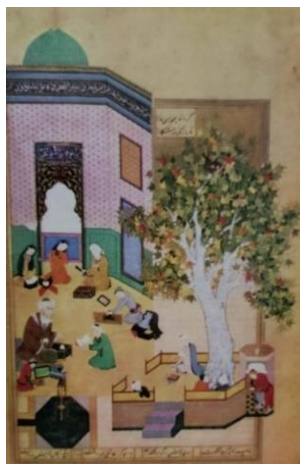
جرجی زیدان مدرسه بیهقیه را منتسب به بیهقی دانسته و سال درگذشت ابوالفضل بیهقی را سال ۴۵۰ هجری ذکر کرده‌است. در این قرن سلجوقیان حکومت را در دست داشتند و وزیر ملک‌شاه سلجوقی یعنی خواجه نظام‌الملک طوسی اقدام به ساخت مدرسه اسلامی در اواسط قرن پنجم نمود (زیدان، ۱۳۶۹: ۶۲۶). از این گفته و همچنین موضوع قدیمی‌ترین سند موجود از رحل که در نوشته‌های بیهقی ثبت شده می‌توان چنین پنداشت که با احداث بزرگ‌ترین و جامع‌ترین مدارس تحت عنوان نظامیه بر عده دانش‌آموزان افزوده شد و نیاز بود که امکانات آموزشی کم‌حجم و قابل حمل و نقل آسان شود. در نتیجه صنعت‌گر ایرانی مطابق با نیاز آن عصر به ساخت رحل مبادرت ورزیده است. (تصاویر ۳ و ۴) نمونه‌های رحل در قرون اولیه هجری است. در موزه ایران باستان چهار برگ از نسخه خطی پنج‌گنج نظامی از اواخر دوره تیموری نگهداری می‌شود یکی از این اوراق با شماره ثبت (۴۲۱۰) لیلی و قیس را که بعدها به نام مجنون مشهور شده در مکتب خانه نشان می‌دهد. دختران و پسران در یک اتاق گرد آمده‌اند ولی معلمان، جداگانه

آن‌ها را تعلیم می‌دهند (نفیسی، ۱۳۴۵: ۳۶). اکثر نقاشانی که کتاب لیلی و مجنون را مصورسازی کردند

صحنه عاشقی لیلی و مجنون بر یکدیگر را در مکتب درس با کشیدن رحل تصویر کرده‌اند (تصاویر ۵ و ۶).



تصویر ۶- لیلی و مجنون در مکتب خانه موجود در موزه ارمیتاژ. منبع: (گری، ۱۳۶۹: ۱۹۴)



تصویر ۵- لیلی و مجنون در مکتب- اثر کمال‌الدین بهزاد، موجود در موزه بریتانیا. منبع: (URL: 2)



تصویر ۴- برج دلو، بغداد. موجود در کتابخانه بادلیان اکسفورد. منبع: (گری، ۱۳۶۹: ۱۷۱)



تصویر ۳- داروسازی پزشکان، ۶۱۹ هـ.ق. منبع: (گری، ۱۳۵۴)

نگهداری کتب مقدس در ادیان مختلف

«آن‌گاه موسی قوانین خدا را نوشت و آن را به کاهنان لایق که صندوق عهد خداوند را حمل می‌کردند و نیز به ریش‌سفیدان اسرائیل سپرد» (سفر تثنیه، باب ۳۱: آیه ۹). یکی از نتایج جنبش تدوین تورات شفاهی و فعالیت کاتبان سوفریم و معلمان تنائیم یهود و نگاشتن تفاسیر مختلف بر اسفار این بود که تورات در زندگی دینی- اجتماعی و قومی یهودیان نقشی محوری یافت و تمام هویت و شخصیت بنی‌اسرائیل را شدیداً متأثر ساخت (جان‌بایرناس، ۱۳۸۸: ۵۴۱).

از این‌رو فراگیری تورات در حدامکان برای هر یهودی، فریضه‌ای بسیار مهم تلقی گردید، به طوری که در ادبیات دینی متأخر یهود از کسانی که تورات نیاموخته باشند با عنوان تحقیرآمیز عام ه‌آرتص (عامی و جاهل) یاد می‌شود (جودائیکا، ج ۲: ستون ۸۳۶).

در ساختمان هر کنیسه، در دیواری که به سمت بیت‌المقدس قرار دارد، گنج‌های مخصوص به نام آرون هقودش برای نگهداری طومار تورات سفیرتورا تعبیه می‌کنند که با پرده‌ای (پاروخت) پوشانده می‌شود. برای پرهیز از تماس دست با متن تورات، دستکی

معمولاً نقره‌ای (یاد) برای نشان دادن محل قرائت، به کار می‌برند (جودائیکا، ج ۱۶: ستون ۶۹۳-۶۹۲).

جایگاه کتاب مقدس گوروگرنته صاحب در آیین سیک بسیار فراتر از یک متن مقدس است و به‌عنوان تنها پیشوا و تجلی خداوند شناخته می‌شود. نه فقط به‌عنوان یک کتاب مقدس مانند انجیل برای مسیحیان یا قرآن برای مسلمانان، بلکه بسیار فراتر از آن به‌عنوان گوروی زنده و جاودان سیک‌ها از جایگاه دینی ویژه‌ای برخوردار است (singh, 1997: 15).



تصویر ۷- جلد تورات در کنیسه. منبع: (URL: 3)

همه سیک‌ها بعد از ورود به گوردوارا با احترام خاصی در مقابل کتاب مقدس به خاک می‌افتند. کتاب مقدس نه در قفسه‌ای، نه در کتابخانه یا حتی روی رحل بلکه روی یک سریر پادشاهی با سقفی زیبا و سایبانی بر فرازش قرار دارد و فردی در پشت کتاب با بادبزی از موی گاو تبنی یا پر طاووس به نشانه احترام و بندگی، آن را باد می‌زند. کتاب با پارچه‌های زیبا و زربفت پوشانده شده‌است تا جایی که در نگاه اول کتاب اصلاً دیده نمی‌شود. شب هنگام هم کتاب را با احترام خاصی بر روی تخت روان به اتافی مخصوص برده، روی تخت‌خوابی زیبا می‌خوابانند. سیک‌ها معتقدند خداوند از طریق کلام، که به آن *گوربانی* *Gurbani* یا *شَبَد* *Shabad-shabd* می‌گویند، از طریق پیشوایان سیک و همچنین عرفا و بهکتی‌های هندو و مسلمان تجلی کرده‌است (روحانی، ۱۳۸۸: ۶۱-۵۷). کلمه انجیل نیز یونانی بوده و معنای آن مژده و بشارت و خبر نیک است. مسیحیان از این جهت آن را مژده می‌دانند که به اعتقاد آن‌ها حضرت عیسی خود را فدای مردم کرد. نام این کتاب دوازده بار در قرآن مجید ذکر شده. اناجیل اکنون نزد مسیحیان چهار انجیل است: انجیل متی که قدیمی‌تر از بقیه است و سی سال بعد از عیسی در اورشلیم به زبان عبری نوشته شده‌است. انجیل مرقس به زبان یونانی است، انجیل لوقا سومین و انجیل یوحنا شصت سال پس از مسیح نوشته شده‌است. این چهار انجیل را مسیحیان معتبر می‌دانند (مولوی‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۹۱ و ۳۱۲-۳۱۱). بر پایه مندرجات اوستا به معنای اساس، بنیاد و متن است متون سنتی زرتشتی، اوستای اصیل زرتشت، بر روی دوازده‌هزار پوست گاو نر و به خط زرین مکتوب گردیده و در کاخ شاهی تخت‌جمشید یا آتشکده استخر و یا آتشکده شیز در آذربایجان، نگهداری می‌شد. آن مقدار از اوستایی که تا امروز باقی مانده شامل: گات‌ها، یسنا، یشت‌ها، وندیداد، ویسپرد و خرده‌اوستا می‌باشد (انصاری، ۱۳۹۶: ۱۰، ۲۱ و ۲۳-۲۴). لذا می‌توان از یافته‌ها در ادیان مختلف چنین جمع‌بندی کرد که از دلایل رواج رحل در دین مبین اسلام یا صندوقچه در دین یهودی یا سریر در آیین

سیک تأکید و تشویق در تلاوت آیات و همچنین عمل به دستورات خداوند را بیان کرد چنانچه در دیگر آیین و ادیان با این‌که کتاب مقدس دارند ولی شیء به این صورت و با این کثرت تعبیه نشده که برای کتاب مقدسشان استفاده کنند. برای مثال زرتشتیان هنگام عبادت یا تلاوت اوستا به صورت ایستاده آن‌را در دست می‌گیرند و می‌خوانند یا مسیحیان در کلیساها کتاب مقدسشان را روی پایه‌ای قرار می‌دهند و پدر روحانی آن‌را برای حضار تلاوت می‌کند.



تصویر ۸- نحوه تلاوت کتب انجیل در دین مسیحیت. منبع: (URL: 4) (۱۲۹)
تصویر ۹- نحوه تلاوت کتب مقدس در دین زرتشت. منبع: (هینلز، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

قرآن بر رحل

از دلایل استفاده از رحل به‌جا آوردن آداب تلاوت آیات الهی است و این‌که باید قرآن کریم در حد امکان بالاتر از سطح زمین واقع شود.

۱- دلایل اعتقادی و باورهای دینی: شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که قرآن را روی زمین قرار نمی‌دهند به باورها و عقاید قبل از اسلام برگردد. دین اهریمن، جادوگری و سلاحش دروغ است گوهر او سرد و خشک و جایش تاریک و گنده است (دادگی، ۱۳۶۹: ۱۲۲) در خصوص این‌که زیرزمین جایگاه اهریمن و دیوان است و آسمان رو به نور و فره است در کتاب اسطوره زندگی زردشت دکتر آموزگار چنین آورده روزی یکی از آن پنج برادری که از کرب‌ها بودند، زردشت را دید. دیرزمانی به بالا، به پایین، به همه سو، به گرداگرد نگرست. پوروشسب پرسید که: چرا به بالا نگرستی، چرا به پایین نگرستی؟ آن کرب چنین پاسخ داد: برای این‌که بالا نگرستم چون دیدم که فره این (کودک) به آسمان بالا می‌رود، برای این‌که

پایین نگریم که دیدیم که از کردار این (کودک) دیوان و دروجان و جادوگران و پریان در زیرزمین پنهان شوند، شکست خورده به دوزخ افتند (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۰: ۱۳۳). در متون پهلوی، آسمان همچون دژی محکم در برابر حمله اهریمن تصور شده (آموزگار، ۱۳۷۴: ۴۲). اهریمن از زیر، از جهان تاریکی برمی خیزد تا به جهان روشنی حمله ور شود (بهار، ۱۳۸۶: ۵۹). در آغاز بهشت و روشنی در بالا بود و به هر سو گسترده بود مگر از سوی پایین و در زیر این جهان روشنی دوزخ یا تاریکی قرار داشت که او هم از هر سو گسترده بود، مگر از سوی بالا (همان: ۸۴). نام جهان فرودین به زبان هیتیایی *دانکوایس داگان* *زیپاس* یعنی سرزمین تاریک است. محل آن در زیرزمین است ولی گفتند بسیاری از راه‌های آبی که در تابستان خشک می‌شوند در زیر قرار دارند (کاوندیش، ۱۳۸۷: ۹۲). در اسطوره‌های ایرانی، اهورامزدا در بالا و در نور حکم‌فرمایی می‌کند و انگره مینو یا اهریمن در پایین و در تاریکی حکم‌فرماست (هینلز، ۱۳۸۸: ۲۶). در نوشته‌های ویراف (یکی از موبدان که به عقیده پارسیان صاحب معراج است). بهشت و جهنم با وجه مادی توصیف شده‌است. بهشت بر بالای زمین و جهنم در زیرزمین است (همان: ۶۴). اهریمن سرکرده همه دیوان در دوزخ تیره (یشت: ۱۹: ۴۴). زیرزمین و جهان تاریکی به سرمی برد و جایگاهش در ایاختر شمال قرار دارد (وندیداد، ۱۹، ۱، ۴۷). در اوستای متأخر، دو نیرویی که در برابر هم می‌ایستند، اهورامزدا و اهریمن‌اند که هر دو در دشمنی ابلیس با انسان اشرف مخلوقات است. اهورامزدا موجودات پاک و خیر را می‌آفریند و اهریمن موجودات پلید و شر را (دادگی، ۱۳۸۵: ۳۸-۳۳). اهریمن بر قسمتی از جهان آفرینش (جهان پایین و تاریکی) تسلط دارد و اهورامزدا بر جهان روشنایی و نور. علاوه بر مطالب بالا یکی دیگر از دلایل تمایل به قرارگیری قرآن به بالاتر از زمین و آسمانی بودن آن می‌توان به داستان عروج پیامبر اشاره کرد. لیک گوندولین می‌نویسد: بر طبق سنت، پیامبر (ص)، بر اسبی به نام براق سوار بود که کوچک‌تر از یک قاطر و بزرگ‌تر از یک الاغ بود. حیوان

سر زن و دم طاووس داشت. داستان عروج پیامبر (ص) الگویی از شرح سفر روح پس از مرگ است که به سوی تخت‌وتاج داوری الهی می‌رود (لیک، ۱۳۸۵: ۱۷۷). نتیجه این باور در پس ذهن مردمان ایران زمین باقی مانده است و کتاب قرآن که مقدس شمرده می‌شود هیچگاه روی زمین قرار نمی‌گیرد. جای قرآن معمولاً روی تاقچه، داخل صندوق، روی میز یا روی رحل بوده و هست.

۲- دلایل فیزیکی و کاربردی:

جلسات ختم قرآن و تلاوت این مصحف شریف با توجه با آداب قرائت به صورت نشسته و مدت زیادی به طول می‌انجامد در نتیجه افراد مجبور بودند مدت‌زمان زیادی قرآن را در دست گرفته و به یک حالت بنشینند و دست، گردن و کمر به حالتی قرار می‌گرفت که دچار خستگی می‌شد. ساخت و استفاده از رحل تا حد زیادی این مشکل را برطرف کرد و شخص دیگر نیاز به نگهداشتن قرآن در دستانش نبود. علاوه بر این استفاده از رحل برای اکرام و جلوگیری از تماس قرآن با محل عبور افراد، همچنین مراقبت از شیرازه کتاب استفاده از رحل متداول شد. این نقش اساسی قرآن با قرائت در زندگی مسلمانان تثبیت و حفظ شده‌است. قرائت قرآن شکل ارجح عبادت در اسلام در هر زمانی است. در بسیاری از جوامع مدرن، این کتاب در زندگی مردم جای دارد و در میان آن‌ها جایگاه مقدسی دارد (کاورد، ۱۳۹۷: ۲۱۷ و ۲۱۹). تأکید دین اسلام به تلاوت قرآن و عمل به دستورات خداوند که شیخ صدوق در کتاب *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال* درباره پاداش اهل قرآن می‌نویسد: «از اسماعیل بن ابی‌زیاد از جعفر بن محمد (ع) از پدرش نقل شده که پیامبر فرمود: اهل قرآن در بالاترین مرتبه آدمیان پس از پیامبران و مرسلین قرار دارند پس آنان را کوچک نشمارید و حقوقشان را اندک نپندارید زیرا آنان نزد خداوند از جایگاهی عظیم برخوردارند» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲: ۱۹۵). مضافاً این که در زمان ساخت نظامیه‌ها که تعداد طلاب افزایش یافت، لزوم داشتن لوازم کمک آموزشی کم‌حجم، سبک و سهل‌الانتقال احساس شد در نتیجه رحل بهترین گزینه برای قراردادن قرآن روی

قدیمی‌ترین رحل موجود مربوط به قرن هفتم هجری است. مواد و مصالح به‌کاررفته در رحل عمدتاً چوب و علاوه بر آن: می‌توان از رحل‌های خزانه آستان قدس نام برد که برای ایجاد تزیینات روی آن‌ها چوب، استخوان، عاج، صدف و آینه به‌کاررفته است (کفیلی، ۱۳۹۳: ۸۶-۷۸). تعدادی از رحل‌های نفیس در موزه‌های قونیه، متروپولیتن، برلین، موزه حضرت معصومه (س)، نگهداری می‌شوند (تصاویر ۱۷-۱۰). فرم بیشتر رحل‌ها مستطیل است و فرم مربع نیز در مواردی یافته شده‌است. با برش‌هایی به‌صورت ترنج یا دیگر طرح‌های سنتی سعی در زیباتر کردن و جلوه بهتر رحل‌ها شده‌است. در (تصویر ۱۵) فرم پایه رحل تصویر دو فرشته است که قسمت بالای رحل (جایی که قرآن روی آن قرار می‌گیرد) را بالای سر خود نگه داشته‌اند.

آن بوده و هم‌چنان هست. علاوه بر موارد ذکر شده از عواملی که در انتخاب قطع کتاب تأثیر داشته نحوه استفاده از نسخه بود. مانند نسخه‌های کوچک که در بازوبندها حمل می‌شد و یا نسخه‌های تشریفاتی و بزرگ که در رحل‌های خاص قرار داشت و موجب تنوع ابعاد قرآن گردید (نفیسی، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۵). برای تولید رحل تمام تلاششان این بود که با بهترین و نفیس‌ترین مواد آن‌را بسازند و تزیین کنند. با توجه به تعدادی از رحل‌هایی که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود می‌توان به یافته‌هایی در مورد تاریخ ساخت، نقوش تزیینی، فرم رحل‌ها و مواد و مصالح به‌کاررفته در رحل‌ها پی برد: رحل‌ها دارای نقوش اسلیمی، گیاهی، حیوانی، انسانی، فرشتگان و نوشته (کتیبه) هستند که مضامین نوشته‌ها شامل سازنده، تاریخ ساخت، آیات و احادیث و اشعاری مرتبط می‌باشند.



تصاویر از سمت راست بالا: ۱۰- رحل مربوط به قرن هشتم موجود در موزه متروپولیتن. منبع: (باقری، ۱۳۹۲: ۳۰) ۱۱- رحل لاک‌روغنی مربوط به اواخر قرن ۱۱ موجود در موزه آرمیتاژ. منبع: (همان: ۷۰) ۱۲- رحل چوبی منبت و مشبک موجود در موزه حضرت معصومه. منبع: (همان: ۸۵) ۱۳- رحل مشبک، منبت، روغنی مربوط به قرن ۱۲ موجود در موزه حضرت معصومه. منبع: (همان: ۵۴) ۱۴- رحل قرآن مربوط به قرن هفتم هجری موجود در موزه برلین. منبع: (همان: ۱۶) ۱۵- رحل قرآن مربوط به قرن ۱۳ موجود در موزه حضرت معصومه. منبع: (همان: ۴۸) ۱۶- رحل مربوط به قرن هفتم هجری. منبع: (همان: ۲۷) ۱۷- رحل خاتم‌کاری و مرصع شده مربوط به قرن ۱۱. منبع: (همان: ۴۶)



تزیینات رحل

نقوش تزیینی روی رحل‌ها عمدتاً شامل نقوش گیاهی، هندسی و کتیبه‌ها هستند. نقوش گیاهی شامل: گل و برگ‌های ختایی، گل همیشه بهار، نسترن، اسلیمی و گل‌بوته. نقوش هندسی شامل: شش و هشت ضلعی، ستاره‌ای شکل و زنجیره‌های تزیینی با طرح متداخل. مضامین کتیبه‌ها شامل: اشعاری در مدح رحل، نام سفارش دهنده، ماده، تاریخ ساخت یا وقف، کتیبه وقف، نام سازنده، آیات و اسماء‌الحسنی. به‌ندرت نقوش

انسانی و حیوانی به‌صورت نقاشی لاک‌روغنی در رحل کار شده‌است.

نقوش گیاهی

دلایل استفاده از نقوش گیاهی می‌توان موارد زیر را برشمرد؛

۱- باورهای قبل از اسلام: درخت از جنبه زندگی‌بخش بودن و باروری مورد تقدیس است. به‌طورکلی اعتقادات دینی بر باورهای مردم باستان تأثیر به‌سزایی داشته و باعث مقدس شمردن گیاهان شده‌اند. در ایران باستان

مطابق روایات، درخت سرو را زرتشت از بهشت آورد و در پیش آتشکده کاشت. یاهوم هومه را پسر اورمزد به‌شمار آورده‌اند و او را موبدی آسمانی دانسته‌اند (آموزگار، ۱۳۸۹: ۳۳) بهمن به نظر او چنین آمد که شاخه سفیدی در دست داشت و با خود گیاهی را می‌برد و آن گیاه را نمی‌آزرد. آن شاخه، مینوی دین بود و این نشان می‌داد که مطابق دین چنین بی‌آزارانه باید رفتار کرد. بعضی گویند که آن شاخه مینوی آشتی بود و این نشان می‌داد که در جهان چنین بی‌آزارانه باید رفتار کرد تا آشتی برای همه کس فراهم شود (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۰: ۸۴). در مورد تقدس گیاهان و درختان در دینکرد هفتم چنین آمده‌است: زردشت را در درختی که آن را در بهشت برین آفریده بود، قرار داد، هفتاد فرشته بزرگوار را در پیرامون آن گرد آورد و آن درخت را در قله‌ای از کوه‌های آذربایجان به نام /سموندگر کاشت (همان: ۱۹۰). هوم یا هئومه که در دنیای مینوی ایزد است و در دنیای گیتی، این گیاه دشمنان را دور می‌سازد درمان‌بخش است و سرور گیاهان به‌شمار می‌آید. فشردن این گیاه نوعی قربانی بدون خونین است. قربانی شدن او موجب شکست شر است و شفا می‌بخشد. هوم را که در مراسم دینی تقدیس می‌کنند نمادی می‌دانند از هوم سپید. هوم سپید که آن را گوگرد نیز خوانند گیاهان اساطیری است که در ته دریای فراخکرد روئیده، بیمرگی آورد و در بازسازی جهان به‌کار خواهد آمد. حضور ایزدی او روی زمین در گیاه تقدیس شده‌ای که به‌صورت طبیعی در کوه‌ها می‌روید آشکار است (آموزگار، ۱۳۷۴: ۳۰). هوم نام گیاهی مقدس بوده که شیره آن را با مراسم و تشریفات بسیار، با آب و شیر آمیخته و شربت آن را پراهوم می‌خواندند و در مراسم دینی، مؤمنان هر یک جرعه‌ای می‌نوشیدند (رضی، ۱۳۷۴: ۱۵۸). رابطه گسترده میان پادشاهان و گیاهان مقدس در میان اقوام مختلف شرقی مسئله‌ای درخور توجه و نشانه‌شناسی موجود در نقش شاه و پیوند آن با گیاه در طول تاریخ قابل بررسی است. بارزترین دلیل

رابطه شاه و گیاه، برکت، زایش و اسطوره‌های کشت و تمدن کشاورزی است که اقبال به جایگاه و اهمیت آن در زندگی انسان از ادوار بسیار کهن‌تر اشاره شد. گل نیلوفر نماد زایش در ایران باستان است که این گیاه رابطه‌ای نزدیک با ایزد مهر دارد و اسطوره زایش ایزدمهر از نیلوفر بر این اسطوره استوار است (رضی، ۱۳۸۱: ۲۷۱). در متون و نقش برجسته‌هایی که در ارتباط با انجام امور دینی بوده‌است دسته سرشاخه آیینی دیده می‌شود. در نقش برجسته‌ای که اردشیر دوم در حال گرفتن تاج پادشاهی از اهورامزدا است دسته سرشاخه آیینی و همچنین گیاه نیلوفر آبی که یکی از نمادهای خوش‌یمن و مقدس می‌باشد دیده می‌شود (هینلز، ۱۳۸۸: ۹۹) و این می‌تواند یکی از دلایل استفاده از نقوش گیاهی در تزیینات هنر ایرانی از جمله روی رحل باشد. در جای دیگر درباره این گیاه چنین آمده: تریته (فریدون) که یکی از ایزدها بوده‌است. «سومین شخصی بود که هئومه را برای دنیای مادی آماده ساخت، او از خدا دارویی خواست که درمان درد، بیماری، پیری و مرگی که اهریمن به‌وسیله ساحرائش در میان انسان‌ها پراکنده می‌ساخت، باشد. در پاسخ به خواست او، خداوند هزاران هزار گیاه شفابخش به وی داد که در کناره‌های درخت گنو کرن در اقیانوس کیهانی می‌رویند.» (هینلز، ۱۳۸۸: ۳۹). پارسیان معتقد بودند که در آتش و هئومه نیروهایی موجود است و مناسک مذهبی از سرودهای مقدس درباره مفاهیم انتزاعی مانند آسمان، خورشید، ستارگان و نیروهای آتش و هئومه تشکیل شده‌است (هینلز، ۱۳۸۸: ۴۱). «در حال حاضر آثار نگارگری فراوانی منتسب به آیین مانویت از مناطق آسیای مرکزی، ماوراءالنهر و ترکستان چین به‌دست آمده‌است. نسخه‌های خطی تورفان مزین به نقاشی که متعلق به قرن دوم هـ.ق هستند. نقش گلبرگ‌های ختایی در این نقاشی در کنار تصاویر متن به‌کاررفته است» (اکبری و کاشانی، ۱۳۸۸: ۳۸) (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸- نقاشی مانی (نقوش گلبرگ ختایی). منبع: (رضی، ۱۳۸۱)

۲- تحریم به کارگیری نقوش موجودات زنده: «یکی از ویژگی‌های هنر اسلامی نبود تقریباً کامل آثار نقاشی و مجسمه‌سازی غیر وابسته به معماری است. دین اسلام، هر گونه آرایه تصویری موجود زنده را منع می‌کند و به همین‌سان در گفته‌های پیغمبر (ص) و احادیث که مکمل قرآن هستند آمده است که: تیره‌روز آن کسی که سروران، انسان‌ها یا موجودات زنده را نقاشی کند، نقاشی نکنید مگر درختان، گل‌ها یا اشیاء بی‌جان را.» (هوک و مارتن، ۱۳۶۸: ۱۹۴-۱۹۳). با توجه به موضوعات مطرح شده و نظر به روایت معروف شکستن بت‌ها و نابودی نقاشی‌های موجود در اطراف خانه کعبه توسط پیامبر اکرم (ص) و بیان آیه ۸۱ سوره بنی‌اسرائیل حق آمده است و باطل نابود شده است و حق بر باطل پیروزمند است و همچنین «محافظة پیامبر از تابلوی نقاشی حضرت مریم عذرا که ظاهراً بعدها در یک آتش‌سوزی سوخته است» (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۹). مسلمانان اساس زیبایی‌شناسی را بر هندسه و نظم استوار ساخته‌اند، ولی طبیعت را استلیزه کردند. هنرمندان مسلمان معتقد بودند طبیعت آن قدر متنوع است که انسان هرگز نمی‌تواند این تنوع را عیناً نقش کند، بلکه باید نظم موجود در آن را کشف کند و به کمک آن نظم به شکل‌های زیبا دست یابد (امرائی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۴). همچنین می‌توان از دلایل دیگر کثرت نقوش گیاهی در تزیینات رحل، مقدس شمردن گیاهانی از جمله درخت طوبی را برشمرد در تفسیر نمونه آمده که «طوبی درختی است که اصلش در خانه پیامبر (ص) یا علی (ع) است و

شاخه‌های آن همه‌جا و بر سر همه مؤمنان و بر فراز همه خانه‌هایشان گسترده شده که در واقع ممکن است تجسمی از آن مقام، رهبری و پیشوایی آنان و پیوندهای ناگسستنی میان این پیشوایان بزرگ و پیروانشان باشد که ثمره آن همه نعمت گوناگون است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۸: ۲۱۰).

نقوش حیوانی و انسانی

هر چند نقوش حیوانی، انسانی و پرنندگان در روی رحل بسیار اندک و به‌ندرت است اما از نمونه این دسته نقوش که روی رحل‌ها به‌کارگرفته شده است می‌توان از نقش فرشته نام برد، فرشته نزد ایرانیان جایگاه والایی دارد، به طوری که در کتاب اسطوره زندگی زرتشت چنین آمده است: زرتشت را در درختی که آن را در بهشت برین آفریده بود قرار داد. هفتاد فرشته بزرگوار را در پیرامون آن گرد آورد (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۰: ۱۹۰). در یسنا ۴۷ قطعه اول برخی از آن‌ها را باید مجردات ترجمه کرد و برخی را باید اسم فرشتگانی دانست؛ پورداوود می‌نویسد سپنتا مینو و یا اهورامزدا را در سر امشاسپندان قرار داده. پلوتارخس مورخ یونانی جزو آیین ایران از شش فرشتگان صحبت می‌کند. هر یک از این فرشتگان در عالم روحانی مظهر یکی از صفات اهورامزدا می‌باشد و در جهان مادی نگرهبانی و پرورش یکی از اجسام، بدو سپرده شده است؛ مثلاً بهمن یا وهمن مظهر و نماینده اندیشه مقدس و خرد و دانایی اهورامزداست و در دنیا پرستاری جانوران سودمند و چارپایان با اوست، اردی‌بهشت مظهر راستی و درستی آفریدگار است در عالم جسمانی نگهبان آتش است، شهرپور نماینده خسروی و توانایی مزداست و در جهان خاکی پرستاری فلزات با اوست، سفندارمز مظهر مهر و محبت اهوراست در دنیا، پرورش زمین بدو سپرده شده است، خورداد و امرداد نمایندگان رسائی و جاودانی خداوندند و در عالم مادی نگرهبانی و پرورش آب و گیاه با آنان است (پوداوود، ۱۳۷۷: ۸۳). گروه فرشتگان مزدیسنا، ایزدان نام دارند. ایزدان جمع ایزد و یا یزد می‌باشد یعنی کسی که سزاوار ستایش است. مورخ یونانی دیوژنس لرتوس در قرن سوم پیش از میلاد می‌نویسد

که به اعتقاد ایرانیان تمام آسمان پر است از فرشتگان بزرگ (پورداوود، ۱۳۷۷: ۸۴). بنابراین نقش فرشته هر چند به ندرت اما روی پایه رحل‌ها کار شده و در (تصویر ۱۵) که نقش فرشته به صورت نقاشی لاک‌ی روغنی به تصویر درآمد، به نظر می‌رسد قرآن را بر دست در بالای سر گرفته‌اند. در قرآن کریم درباره جایگاه و وظایف فرشتگان به صورت کلی مطالبی اشاره شده است که در این جا به دو مورد اشاره می‌شود؛ مانند این که می‌فرماید: «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (قرآن کریم، صافات: آیه ۱۶۴) هیچ‌یک از ما (فرشتگان) نیست جز آن که مقام معلومی دارد. یا می‌فرماید: «يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (قرآن کریم، نحل: آیه ۵۰) [فرشتگان] از پروردگار مسلط و بالای سر خویش می‌ترسند و آنچه را که به آن مأمور می‌شوند انجام می‌دهند. لذا ما آگاه به تمام وظایف فرشتگان نیستیم، اما همین قدر می‌دانیم که فرشتگان به آنچه خداوند به آن‌ها دستور می‌دهد مأمورند: «يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ». در ادامه می‌توان از پرنده‌ای کمیاب مانند درنا که در کلام برخی شعرای ایرانی به توصیف درآمده اشاره کرد.

از نقوش حیوانی دیگری که روی سطوح خارجی رحل منقوش گردیده، نقش شیر و آهوها در حال شیردادن به فرزندان‌شان، روباه در حال صید بزها اشاره کرد. با این که رحل یک شیء با کاربرد مذهبی است اما از نقوش حیوانی و انسانی برای تزیین آن استفاده کرده‌اند. از علل دیگر می‌توان پیوند نقاشی ایرانی را با ادبیات غنایی دانست. نیز سنت تصویرسازی ادبی از اوایل دوره اسلامی (در ایران) به چشم می‌خورد، برای مثال می‌توان از کلیله و دمنه یاد کرد که در ادوار گوناگون استنساخ و تصویرسازی شده است، بنابراین حضور چنین تصاویری بر روی صنایع ایرانی دور از ذهن نیست. نکته دیگر حضور تصاویر (غنایی، تعلیمی و مسیحی) بر روی رحل‌ها نمایانگر کاربرد آن در کتب تعلیمی، غنایی و یا مسیحی به سفارش شخصی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین دلایل طراحی و ساخت رحل متداول بودن

قرائت قرآن در زندگی روزمره مسلمانان است. ابتدا سطحی صاف و محکم برای نگارش کاتبان استفاده می‌شد کم‌کم به این صفحات پایه‌هایی اضافه شد و اولین میز تحریرها به وجود آمد که نقاشی مانویان مؤید این موضوع است. بعد از ورود اسلام به ایران به دلیل تشویق و توصیه دین، که قرائت و یادگیری قرآن یکی از مسائل مهم دینی به‌شمار می‌رفت سبب شد که تلاوت آیه‌های قرآن در زندگی روزمره مسلمانان قرار گیرد و قرآن‌آموزان و طلاب برای یادگیری قرآن ساعات طولانی به صورت نشسته قرآن در دست گرفته و قرائت کنند در نتیجه برای رفع خستگی کمر، گردن و دستان همچنین برای حمل و نقل آسان و کم‌حجم بودن میزها آن‌ها را به صورتی طراحی کردند که بتوان از آن‌ها استفاده بهینه‌ای داشت. همچنین شاید بتوان گفت با توجه به اعتقاد و باورهای ایرانیان (زیرزمین جایگاه انگره مینو و پلیدی است) قرآن مقدس است و نباید روی زمین قرار گیرد و باید از ناپاکی دور باشد در نتیجه قرآن را روی تاقچه، میز یا رحل قرار داده‌اند. فرم متداول رحل مستطیل و به ندرت فرم مربع هم دیده شده است. بیشترین تنوع در فرم رحل روی پایه‌ها صورت می‌گیرد که با اشکال ترنج، محراب و امثالهم درمی‌آید. هنرمند ایرانی با خلاقیت و هنر خود آن را به بهترین نحو زینت بخشیده است. مضامین نقوشی که شایسته یک شیء مذهبی است از طرفی از اعتقادات دین اسلام سرچشمه گرفته و از طرف دیگر ریشه در باورهای ایرانیان دارد. این مضامین که بیشتر شامل نقوش گیاهی همچون گل، اسلیمی، ختایی، نوشته‌هایی همچون آیات و احادیث، اسماء‌الحسنی، اشعار، نام سفارش‌دهنده یا سازنده، نقوش هندسی و به ندرت نقوش حیوانی و انسانی است. از دلایل رواج نقوش گیاهی می‌توان منع تصویر انسان و حیوان در دین اسلام، تقدس گیاه هئومه در آیین قبل از اسلام و باور ایرانیان باستان نام برد. نقش فرشته با توجه به اهمیت آن در اساطیر ایرانی همچنین در دین اسلام نیز کاربرد داشته است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، سوره یوسف، نحل.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۲)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ترجمه و توضیح محمدرضا انصاری محلاتی، قم: نسیم کوثر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۳)، *علل الشرایع*، ج ۲، ترجمه سید محمد جواد ذهنی‌تهرانی، تهران: مومنین.
- اکبری، تیمور؛ کاشانی، پوریا (۱۳۸۸)، *تاریخ هنر نقاشی و مینیاتور*، تهران: سبحان نور.
- امرائی، مهدی (۱۳۹۱)، *هنر منبت*، تهران: سمت.
- انصاری، بهمن (۱۳۹۶)، *زرتشت و زرتشتیان*، تهران: آرون.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۹)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد (۱۳۷۰)، *اسطوره زندگی زردشت*، بابل: کتابسرای بابل.
- باقری، اقبال (۱۳۹۲)، *ساخت و منبت رحل قرآن با استفاده از نقوش و آرایه‌های رحل قرآن مربوط به قرن هفتم هجری قمری (۱۳م)*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته هنر اسلامی با گرایش چوب، دانشکده هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- باقری، اقبال (۱۳۹۳)، *بررسی آرایه‌های تزئینی رحل قرآن موزه دولتی برلین قرن هفتم، دو فصلنامه علمی تخصصی سفالینه، مرکز تحقیقات هنر اسلامی نگاره، سال اول، ۲ (۲)*.
- بایرناس، جان (۱۳۸۸)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی فرهنگی، چاپ ۱۹.
- بستانی، بطروس (بی‌تا)، *دایرةالمعارف و هو قاموس عام لکل فن و مطلب*، ج ۷، لبنان، بیروت: دارالمعرفه.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، *هنر اسلامی زبان و بیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۶)، *ادیان آسیایی*، تهران: چشمه، چاپ ششم.
- بهنام، عیسی (۱۳۴۲)، *مقاله رحل چوبی، مجله هنر و مردم*، ش ۱۷، تهران: فرهنگ و هنر، ۱۰-۸.
- بیانی، سوسن (۱۳۶۷)، *باستان‌شناسی و هنر صدر اسلام (واحد درسی رشته باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی)*، تهران: دانشگاه تهران.
- پادشاه، محمد (۱۳۳۵)، *فرهنگ آندراج*، ج ۳، تهران: خیام.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷)، *گات‌ها. قدیمی ترین قسمت اوستا*، ترجمه پورداوود، ترجمه انگلیسی دینشاه جی جی باهای ایرانی، تهران: اساطیر.
- جعفری فرد، زهرا (۱۳۹۴)، *مقاله معرفی چند اثر چوبی وقفی متعلق به قرن هشتم هجری قمری، وقف میراث جاویدان*، ش ۸۹، ۷۳-۹۲.
- جودائیکا، ج ۲، ستون ۸۳۶.
- جودائیکا، ج ۱۶، ستون ۱۲۶۴-۱۲۵۴.
- خپکوا، کالیناپوگو؛ خاکیموف، اکبر (۱۳۷۲)، *هنر در آسیای مرکزی*، ترجمه: ناهید کریم‌زندی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خواجه‌احمد عطاری، علیرضا (۱۳۹۶)، *بررسی نقوش و تزئینات رحل قرآن (قرن هشتم) در موزه متروپولیتن*، دو فصلنامه علمی ترویجی نگارینه هنر اسلامی، دوره چهارم، ۱۴، ۴۶-۳۴.
- دادگی، فرنیخ (۱۳۸۵)، *بند هوش*، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس، چاپ سوم.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ معین، محمد (۱۳۲۵)، *لغتنامه دهخدا*، ج ۲۳، تهران: سازمان لغت‌نامه.
- رامپوری، غیاث‌الدین (۱۳۳۷)، *فرهنگ غیاث‌اللغات*، تهران: معرفت.
- رایس، دیویدتالوت (۱۳۸۱)، *هنر اسلامی*، ترجمه: ماه ملک بهار، تهران: علمی و فرهنگی.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱)، *دانشنامه ایران باستان*، تهران: سخن.
- رکنی، محمد مهدی؛ رزمجو، حسین؛ احمدی‌بیرجندی، احمد؛ عقدائی، ابراهیم (۱۳۶۶)، *کتاب فارسی دوم دبیرستان (به استثنای رشته فرهنگ و ادب)*، تهران: ایران.
- روحانی، سید محمد (۱۳۸۸)، *معرفی متون مقدس و منابع آیین سیک*، پایگاه مجلات تخصصی نور، مجله هفت آسمان بهار، ش ۴۱، ۷۲-۵۷.

- رهبری، احمد (۱۳۹۱)، *قرآن و باستان‌شناسی*، تهران: دانشگاه هنر.
- زیدان، جرجی (۱۳۶۹)، *تاریخ تمدن اسلامی*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- سفرتنیه، باب ۳۱، آیه ۹.
- شیخی، علیرضا؛ سامانیان، صمد (۱۳۹۹)، *منبت معاصر ایران*، تهران: دانشگاه هنر.
- طنفیسی، سعید (۱۳۲۶)، *تاریخ بیهقی*، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- فاضل‌نیشابوری، فضل‌الله (۱۳۹۲)، مقاله مشخصات رحل‌های قرآنی موجود در موزه و کتابخانه آستان قدس رضوی، *اوراق عتیق*، ۳، ۶۸۵-۶۸۸.
- کارولد، هارولد (۱۳۹۷)، *کتاب مقدس در ادیان جهان*، ترجمه به‌یمن رفیعی، تهران: پارسه. چاپ دوم.
- کاوندیش، ریچارد (۱۳۸۷)، *دایرةالمعارف مصور اساطیر و ادیان مشهور جهان*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: علم.
- کفیلی، حشمت (۱۳۹۲)، مقاله آستان قدس رضوی امانتدار نشانه‌های فرهنگ و تمدن هندوستان به معرفی رحل‌های چوبی در موزه آستان قدس رضوی، *پاژ*، ش ۱۳، ۸۲-۶۹.
- کفیلی، حشمت (۱۳۹۶)، مقاله رحل‌های موزه آستان قدس رضوی نشانه‌هایی از برگزاری مراسم آیینی قرائت قرآن کریم در حرم مطهر امام رضا (ع)، *آستان هنر*، ش ۱۱ و ۱۲، ۸۶-۷۸.
- کن‌بای، شیدا (۱۳۸۷)، *نقاشی ایرانی*، ترجمه مهدی حسینی، تهران: دانشگاه هنر.
- گری، بازیل (۱۳۵۴)، *نگاهی به نگارگری در ایران*، ترجمه و حواشی فیروز شیروانلو، تهران: توس.
- گری، بازیل (۱۳۶۹)، *نقاشی ایران*، ترجمه عربعلی شروه، تهران: عصر جدید.
- لیک، گوندلین (۱۳۸۵)، *فرهنگ اساطیر شرق باستان*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: طهوری.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۲)، *بحار الانوار*، ج ۱۶، باب ۹، روایت ۵۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ سوم.
- محمدحسین‌بن‌خلف تبریزی متخلص به برهان (۱۳۴۱)، *برهان قاطع* (متن کامل)، تهران: امیرکبیر.
- معلوف، لوئیس (۱۳۶۵)، *المنجد فی اللغة و الاعلام*، تهران: اسماعیلیان.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مولوی‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۴)، *تاریخ انبیاء از خلقت آدم (ع) تا رحلت خاتم (ص)*، قم، امام عصر (عج).
- نفیسی، علی‌اکبر (ناظم الاطبا) (۱۳۴۳)، *فرهنگ نفیسی*، ج ۳، تهران: خیام.
- نفیسی، نوشین (۱۳۴۵)، مقاله نمونه‌ای از هنر نقاشی ایران دوره تیموری، *هنر و مردم*، ش ۵۰، ۳۷-۳۵.
- نفیسی، نوشین‌دخت (۱۳۷۹)، *تاریخچه کتابت* (رشته هنر)، تهران: پیام نور.
- هوگ، جان؛ مارتن، هانری (۱۳۸۶)، *سبک‌شناسی هنر و معماری در سرزمین‌های اسلامی*، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: علمی و فرهنگی.
- هینلز، جان راسل، (۱۳۸۸)، *اسطوره‌های ایران*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- URL1: https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B1%DA%98%D9%86%DA%AF_%28%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%29#/media/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:Manicheans.jpg
Accessed at 1403-01-20 14:20
- URL2: <https://haleh.net/%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D8%B3%D9%87-%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%A7%D8%B2-%D8%AE%D9%85%D8%B3%D9%87-%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%AA%D8%A7%DA%A9%DB%8C%D8%AF-%D8%A8-3/>
Accessed at 1402-12-28 17:12
- URL3: <https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%D8%B1%D8%A7%D8%AA#foot97>
Accessed at 12-04-2023
- URL4: <https://www.aparat.com/v/gdVxY> Accessed at 1403-01-15 16:15